



سخنرانی جان اف. سوپکو در دوازدهمین گفت‌وگوی امنیتی هرات

افغانستان و واقعیت تازه

* * *

خوشحالم که در این نشست حضور دارم. از دکتر داوود مرادیان، مدیرکل انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، برای دعوتش سپاسگزارم. از سمیع مهدی و تلویزیون آمو که گرداندگی این بحث را بر عهده دارند نیز تشکر می‌کنم.

چند ماه پیش از من خواسته شد درباره برنامه‌های دفترم، بازرسی ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگار)، در قبال وضعیت کنونی این کشور صحبت کنم. اما از آن زمان، اتفاقات بسیاری رخ داده است. اول اینکه سیگار در آستانه تعطیلی است، و دوم اینکه در ۲۴ جنوری، رئیس‌جمهور ترامپ مرا همراه با ۱۷ بازرسی کل دیگر برکنار کرد. البته این تصمیم مرا غافلگیر نکرد. همیشه معتقد بودم که هر رئیس‌جمهور جدیدی حق دارد بازرسان کل را تغییر دهد، اما گمان نمی‌کردم کسی واقعا به این توصیه گوش دهد. قانون پیامدهای ناخواسته همین است.

اما نبودن من در دولت، فرصتی است برای شما؛ چرا که حالا می‌توانم صریح‌تر از همیشه صحبت کنم.

برای درک وضعیت امروز افغانستان، باید صادقانه بپذیریم که پس از بیست سال حضور نظامی و میلیاردها دلار هزینه، ایالات متحده و متحدانش در ایجاد یک دولت کارآمد و پایدار شکست خوردند. سقوط ناگهانی کابل در ۱۵ اگوست ۲۰۲۱، واقعیتی را که سال‌ها زیر لایه‌ای از توهم پنهان شده بود، آشکار کرد: این که موفقیت هرگز در دسترس نبود، بلکه شکست مدت‌ها پیش از خروج نیروها قطعی شده بود.

فاجعه افغانستان، شکست ماموریت‌هایی را که بر خوش‌بینی کاذب و ارزیابی‌های نادرست استوار بودند، به نمایش گذاشت. جامعه بین‌المللی نتوانست محدودیت‌های مداخله خارجی را درک کند، نتوانست پیامدهای یک پروژه بیش از حد بلندپروازانه را ببیند.

با خروج نیروهای آمریکایی، طالبان تقریباً بی‌هیچ مقاومتی دوباره قدرت را به دست گرفت. نه نبردی پایانی در کار بود، نه قیام مردمی علیه آنان. آنچه از جمهوری باقی مانده بود، در سکوت فروپاشید. اشرف غنی با عجله و شرمساری گریخت، و طالبان در کابل، بی‌آنکه با مقاومتی جدی روبه‌رو شوند، قدرت را تصرف کردند.

پس از سقوط کابل، کشورهای غربی تلاش کردند از مردم افغانستان حمایت کنند. ایالات متحده به تنهایی بیش از ۲۱ میلیارد دلار برای کمک به افغانستان و پناهجویان افغان اختصاص داده است. این شامل ۳.۷ میلیارد دلار کمک بشردوستانه و توسعه‌ای و ۴ میلیارد دلار دیگر در صندوقی مستقر در سوئیس است.



اما این کمک‌ها، به‌رغم آنکه ممکن است از یک فاجعه انسانی جلوگیری کرده باشد، نتوانسته طالبان را از ادامه گروگان‌گیری، سرکوب زنان، سانسور رسانه‌ها، تعقیب نظامیان سابق، و تبدیل دوباره افغانستان به پناهگاهی برای تروریست‌ها بازدارد.

طالبان نه تنها از این کمک‌ها بهره‌برداری کرده‌اند، بلکه آن را به ابزاری برای تحکیم قدرت خود بدل ساخته‌اند. آن‌ها بر کمک‌ها مالیات بسته‌اند، آن را منحرف کرده‌اند و از آن برای تامین بودجه نیروهای امنیتی خود استفاده کرده‌اند. در عمل، بخشی از کمک‌های بین‌المللی که برای مردم افغانستان در نظر گرفته شده بود، امروز در خدمت بقای رژیم است که مردم را سرکوب می‌کند.

کمک‌های خارجی دیگر مانند گذشته توجیه‌پذیر نیست. در کشورهای غربی، افکار عمومی خسته از وعده‌های محقق‌نشده، به‌طور فزاینده‌ای نسبت به ادامه هزینه در افغانستان بدبین شده است. بسیاری از رای‌دهندگان آمریکایی این مهم را می‌پرسند که آیا این کمک‌ها واقعا در خدمت مردم افغانستان است، یا تنها شبکه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی، پیمانکاران و نهادهای غیر انتفاعی را یاری می‌رساند.

رئیس‌جمهور آیزنهاور (۳۴مین رئیس‌جمهور آمریکا) در سخنرانی وداعی خود درباره قدرت گرفتن «مجتمع نظامی-صنعتی» هشدار داد. امروز، چیزی مشابه در صنعت کمک‌های بین‌المللی در حال شکل‌گیری است؛ شبکه‌ای از نهادهای وابسته به کمک‌ها که بیش از آنکه در خدمت مردم باشند، در خدمت بقای خودند.

چه باید کرد؟

کمک‌های آینده به افغانستان باید از چند اصل اساسی پیروی کند:

۱. باید مشخصا با منافع امنیت ملی ایالات متحده گره بخورد.

۲. باید بتواند نتایج ملموس و قابل‌اندازه‌گیری ارائه دهد.

۳. باید در هر مرحله، از تخصیص تا اجرا، تحت نظارت دقیق باشد.

در همین راستا، دولت آمریکا ارزیابی مجددی از تمامی کمک‌های خارجی را آغاز کرده است، و افغانستان دیگر در صدر اولویت‌های سیاست خارجی واشنگتن قرار ندارد.

در مورد سازمان ملل نیز باید صریح بود. مقاله دکتر مرادیان در دیپلمات درباره تسلیم‌شدن سازمان ملل در برابر طالبان، تصویری دقیق از شکست‌های این نهاد ارائه داده است. فساد، ائتلاف منابع و همکاری غیرمستقیم با طالبان، به‌ویژه در برنامه‌های کمک‌رسانی، چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت.

کمک‌های بین‌المللی به افغانستان نباید تنها به پرکردن خزانه طالبان ختم شود. باید میان حمایت از مردم و تقویت غیرمستقیم رژیم طالبان تفاوتی قائل شد. چند اقدام می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد:



بازگرداندن ۴ میلیارد دلار موجود در صندوق افغانستان در سوئیس به ایالات متحده، تا زمانی که طالبان نشان ندهند که به اصول انسانی پایبندند.

اعمال محدودیت‌های شدیدتر بر سفرهای مقامات طالبان.

کاهش واسطه‌ها در روند ارسال کمک‌ها؛ چرا که بخش بزرگی از بودجه‌های بین‌المللی، پیش از آنکه به مردم افغانستان برسد، در مسیر بوروکراسی‌های پیچیده از بین می‌رود.

اما فراتر از همه این‌ها، کمک‌کنندگان بین‌المللی باید شجاعت آن را داشته باشند که به طالبان «نه» بگویند. کمک نباید بدون قید و شرط باشد. اگر طالبان به سرکوب ادامه دهند، جامعه جهانی باید این پیام روشن را بدهد که دسترسی به منابع جهانی، یک امتیاز است، نه یک حق.

سپاس از توجه شما.